

که این گروه آخر هر چند که "شناسنامه" ندارد، اما همه می‌شناسندش.

درخواست شناسنامه کردن به تمایل شهروند بودن بستگی دارد و از برخورداری از فرهنگ متناسب با آن حکایت دارد. سر زدن تمایلات شهروندی و به دست آمدن فرهنگ متناسب با آن به زمان احتیاج دارد. اما شناسنامه خواستن در زمره حقوق اولیه و خدشه‌ناپذیر شهروندی است و متولی آن هم دولت است. پس تا به دست آمدن آن تمایلات و فرهنگ متناسبش برای "باندهای ابهام‌آفرین"، شاید بد نباشد دولت فکری برای آن دو گروه دیگر بکند که ابهامی هم در کارشان نیست و فقط حقوق شهروندی‌شان را می‌خواهند.

امین اصلان ساعدلو

ناهماهنگی میان کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت

نوسانات شدید قیمت نفت بیش از بالا بودن و یا پایین بودن قیمت آن به اقتصاد کشورهای صادرکننده و واردکننده آسیب می‌رساند. ساختار اقتصادی باید زمان و توان مطابقت دادن خود را با تغییر قیمت نفت داشته باشد. طبق داده‌های وزارت انرژی

ایالات متحده آمریکا، متوسط ماهیانه قیمت نفت وارداتی پالایشگاه‌های این کشور، به ارزش دلار امروز، در سال ۱۳۵۵ معادل ۲۵ دلار بود، در سال ۱۳۶۰ به مرز ۷۰ دلار رسید، در سال ۱۳۶۵ تا ۱۵ دلار تنزل کرد، در سال ۱۳۶۹ تا ۴۰ دلار افزایش یافت و در سال ۱۳۷۷ به زیر ۱۰ دلار رسید. در روزهای آخر شهریور ماه ۱۳۷۹ این قیمت تا ۳۷ دلار بالا رفت و ده روز بعد تا حدود ۳۰ دلار تنزل کرد.

مقدار عرضه نفت خام به بازارهای جهانی تنها عامل سامان بخشیدن و یا آشفته کردن بازار نفت نیست. عرضه‌های دیگر فعالیت در اقتصاد نفت نیز همچون میزان ظرفیت تولید نفت خام، ظرفیت نفتکش‌ها برای حمل نفت، ظرفیت پالایشگاه‌ها، سطح ذخایر نفت خام و فرآورده‌های نفتی در کشورهای عمده مصرف‌کننده، حجم سفته‌بازی مالی در بازار نفت و سطح مالیات بر فرآورده‌های نفتی در ثبات بازار نفت دخیل هستند. وضعیت سیاسی کشورهای صادرکننده نفت نیز می‌تواند منشأ نابسامانی‌های بازار نفت باشد. خطر بروز بحران داخلی در کشورهای صادرکننده نفت مانند نیجریه و اندونزی، و احتمال تشدید تنش میان عراق و کویت -عراق کویت را متهم به حفاری در ناحیه مرزی دو کشور و ربودن نفت از ذخایر زیرزمینی عراق کرده است- نمونه

هراس از قطع عرضه نفت این کشورها به بازارهای جهانی است.

در سال ۱۳۷۸، اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) تولید نفت خود را به میزان $4/3$ میلیون بشکه در روز کاهش دادند. این اقدام منجر شد در مدت کمتر از یک سال قیمت نفت سه برابر شود و تا ۳۰ دلار برای هر بشکه افزایش یابد. در بهار امسال (۱۳۷۹) اوپک تصمیم گرفت سطح تولید خود را به حدی رساند تا قیمت نفت دریای شمال، به عنوان یک معیار قیمت، بین ۲۲ و ۲۸ دلار برای هر بشکه باقی بماند. در سال جاری این سازمان برای مهار قیمت نفت سه بار سهمیه تولید اعضای خود را افزایش داد که در مجموع بالغ بر $3/2$ میلیون بشکه در روز می‌شود. با وجود این، قیمت نفت همچنان بالاتر از قیمت مورد نظر اوپک باقی ماند. علی رودریگز، وزیر معدن و نفت ونزوئلا و رئیس کل فعلی اوپک در جواب به انتقاد از اوپک در مورد قیمت بالای نفت ابراز داشت که در حال حاضر تولید نفت جهان حدود دو میلیون بشکه در روز بیش از مصرف جهانی - که ۷۶ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود - است.^۱ تجربه سه دهه اخیر نشان داده است که اوپک به تنهایی نمی‌تواند از نابسامانی در بازار نفت جلوگیری کند و برای این مهم همکاری میان گروه کشورهای تولیدکننده

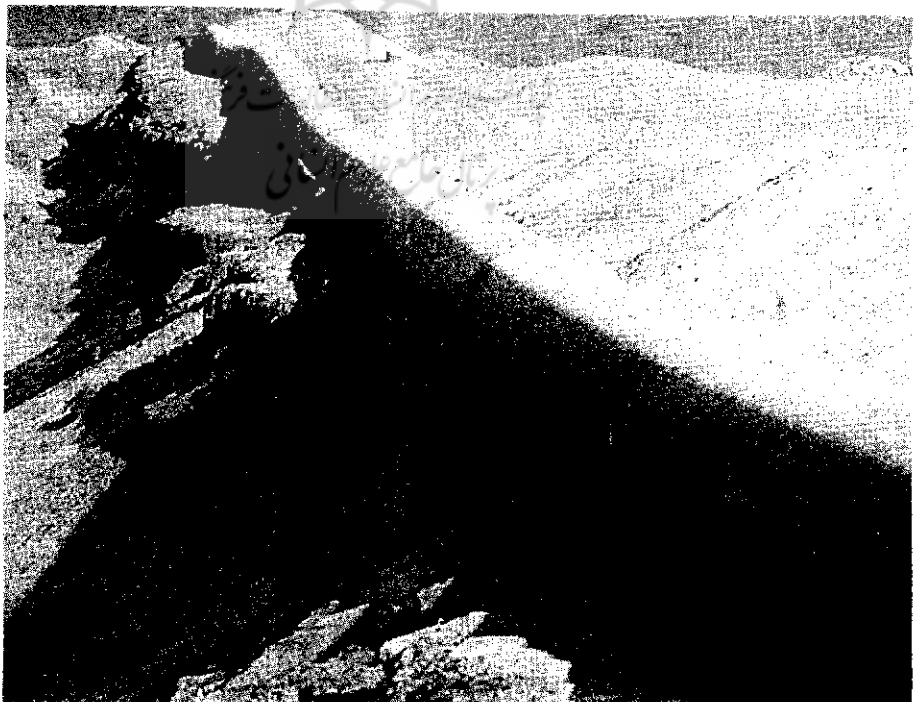
(مانند اوپک) و گروه کشورهای واردکننده (مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی)^۲ ضروری است. برای تنظیم عرضه نفت خام به بازارهای جهانی در هجده ماه اخیر اوپک به درستی نقش خود را ایفا کرده است ولی به این دلیل که اثر واقعی افزایش یا کاهش تولید اوپک بر بازار نفت چهار تا شش هفته پس از تصمیم‌گیری در اجلاس این سازمان ظاهر می‌شود، راه بر سفته‌بازی بازمی‌ماند و بیم آن می‌رود که نتوان مانع نوسانات شدید قیمت نفت شد. استفاده از ذخایر استراتژیک کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برای مهار سفته‌بازی و نوسانات شدید کوتاه مدت در بازار نفت می‌تواند نقش تنظیم‌کننده ثانویه در کنار تنظیم عرضه نفت توسط اوپک ایفا کند (مراجعه شود به "ایران، اوپک و قیمت نفت خام"، گفتگو، شماره ۲۶).

از نیمه دهه هفتاد میلادی، پس از اولین بحران جهانی نفت، کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی شروع به ایجاد ذخایر استراتژیک نفت خام کرده اند و امروز این ذخایر بالغ بر $1/2$ میلیارد بشکه است - ۵۷۰ میلیون بشکه در ایالات متحده آمریکا - در این مدت به ندرت از این ذخایر استفاده شده و آخرین بار در سال ۱۹۹۱ در زمان جنگ در کویت بوده است. تصمیم اخیر رئیس جمهور آمریکا مبنی بر عرضه

۳۰ میلیون بشکه از ذخایر استراتژیک این کشور به بازار. با وجود اینکه می‌تواند جنبه استفاده تبلیغاتی برای حزب دموکرات در آستانه انتخابات ریاست جمهوری این کشور داشته باشد، این راه را باز می‌گذارد که با دید دیگری به این ذخایر نگاه شود و مورد مصرفی که به نفع تولیدکننده و مصرف‌کننده است برای آن در نظر گرفته شود. این اولین باری است که می‌توان استفاده از این ذخایر را به عنوان ابزاری برای مهار نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی تلقی کرد. در گذشته، در رابطه با بازار جهانی نفت، عرف بر این بوده است که تنها در موارد بحرانی مانند وقوع جنگ و قطع عرضه نفت به بازار از این ذخایر استفاده شود.^۳ اهمیت استفاده از این ذخایر برای تنظیم بازار در این است که در مدت کمتر از یازده روز از زمان

تصمیم‌گیری، نفت مورد نظر به ذخایر پالایشگاه‌ها می‌رسد و چون مناقصه فروش آن خارج از بازار مالی است، می‌توان سفته‌بازی را تا حدودی مهار کرد. پس از آرام شدن بازار، نفت عرضه شده باز خرید می‌شود و به ذخایر باز می‌گردد.

از جمله عواملی که در ماه‌های اخیر در افزایش قیمت نفت مؤثر شناخته شده‌اند، یکی وضعیت نفتکش‌های جهان است که ظرفیت آنها با سال ۱۹۸۸ تفاوتی نکرده و بسیاری از آنها فرسوده شده و مورد پذیرش بسیاری از بنادر نیستند. دیگر، ظرفیت پالایشگاه‌ها است که در سال‌های اخیر متناسب با افزایش مصرف فرآورده‌های نفتی رشد نداشته است و امروز نزدیک به حد اکثر ظرفیت خود مشغول به کارند. بی‌تردید با افزایش تقاضا در سال‌های آتی این



دو عامل برای بازار نفت مسئله‌ساز خواهد شد. ولی در کوتاه مدت پایین بودن سطح ذخایر نفت خام در بخش صنعت و پایین بودن میزان ذخایر فرآورده‌های نفت در کشورهای پیشرفته است که محدودیت ظرفیت نفتکش‌ها و ظرفیت پالایشگاه‌ها را تبدیل به مشکل امروز بازار نفت کرده است. در حال حاضر میزان ذخایر نفت خام در بخش صنعت این کشورها از یک سال پیش پایین‌تر است و گزارش شده است که در حال حاضر، در آستانه زمستان، ذخایر نفت برای تولید حرارت در شمال شرق ایالات متحده آمریکا حدود ۵۰٪ کمتر از میزان ذخایر سال گذشته در همین ایام است.^۴ هماهنگی میان کشورهای صادرکننده و کشورهای واردکننده نفت در مورد میزان افزایش یا کاهش تولید نفت به عنوان تنظیم بلند مدت بازار نفت و هماهنگی میان این کشورها در مورد میزان عرضه به بازار یا تغذیه از بازار توسط ذخایر استراتژیک به عنوان تنظیم کوتاه مدت بازار نفت، می‌تواند جوابگوی مسئله پایین بودن میزان ذخایر نفت خام در بخش صنعت باشد و با تضمین عرضه پایدار نفت، محدود بودن ظرفیت اضافی پالایشگاه‌ها منجر به کمیاب شدن فرآورده‌های نفت نشود.

در هفته‌های گذشته در جواب به نارضایتی مصرف‌کننده نهایی از گرانی

فرآورده‌های نفتی، کشورهای عمده مصرف‌کننده اوپک را سرزنش می‌کردند و حتی نخست وزیر انگلستان، زمانی که در مخالفت با قیمت‌های بالای فرآورده‌های نفتی در این کشور تظاهرات بود، به تظاهر کنندگان توصیه کرد به جای تحت فشار قرار دادن دولتش برای کاهش مالیات بر فرآورده‌های نفتی، اوپک را برای افزایش تولید تحت فشار قرار دهند! از طرف دیگر، مسئولین اوپک با نارضایتی مصرف‌کنندگان نهایی هم‌دلی کرده و بالا بودن مقدار مالیات بر فرآورده‌های نفتی را معضل بازار نفت اعلام می‌کردند. متأسفانه در این اظهارات نشانی از همکاری و هماهنگی در سامان بخشیدن به بازار نفت نیست و کشورهای اوپک و کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در مقابله مستقیم با سیاست‌های یکدیگر در قبال بازار نفت راه را بر همکاری متقابل می‌بندند. بیش از بیست و پنج سال است که کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مبنای سیاست انرژی خود را صرفه‌جویی در مصرف انرژی و متعدد کردن منابع انرژی قرار داده‌اند. لازمه این سیاست بستن مالیات بر مصرف انرژی است و امروز این مالیات‌ها بخش عمده‌ای از درآمد مالیاتی این کشورها را تشکیل می‌دهد. کاهش این مالیات‌ها مترادف با کسری بودجه و عمل نکردن به وعده‌هایی

است که به طرفداران محیط زیست داده اند. با وجود این، به دولت این کشورها این انتقاد وارد است که در بودجه خود ردیفی برای مقابله با نوسانات قیمت نفت در نظر نمی‌گیرند و یا ذخیره مالی برای این مقصود تشکیل نمی‌دهند. این دولت‌ها افزایش و یا کاهش ناگهانی قیمت نفت را به یک‌بار و نه به تدریج به مصرف‌کننده نهایی انتقال می‌دهند که موجب نارضایتی مصرف‌کننده نهایی و مشکلات در ساختار اقتصادی کشورشان می‌شود. کشورهای اوپک نیز واقفاند که افزایش بی‌رویه تولید منجر به از دست دادن کنترل قیمت و فروبختن آن می‌شود و به غیر از مشکلات اقتصادی که برای آنها به دنبال دارد، توان مالی لازم برای ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید را از دست می‌دهند. از سوی دیگر، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که افزایش بیش از حد قیمت نفت منجر به افزایش تولید نفت در کشورهای خارج از اوپک می‌شود و این نیز منجر به از دست دادن کنترل و کاهش قیمت آن می‌گردد.

منفعت مشترک کشورهای صادرکننده و واردکننده نفت جلوگیری از نابسامانی در بازار جهانی نفت و مهار نوسانات شدید قیمت نفت است. تجربه سه دهه اخیر در بازار نفت نیاز به ایجاد همکاری و هماهنگی میان کشورهای اوپک و کشورهای سازمان

همکاری و توسعه اقتصادی را در دستور روز قرار داده است. بیانیه دومین اجلاس سران اوپک مبنی بر اینکه اوپک خواهان همکاری با کشورهای واردکننده نفت است و هدفش متوازن کردن بازار و دستیابی به سطح قیمت‌های پایدار و متناسب با رشد اقتصاد جهانی است و قصد دارد به موقع و به مقدار کافی نفت خام مورد نیاز بازار را تأمین کند از یک طرف، و اقدام اخیر آمریکا برای استفاده از ذخایر استراتژیک نفت خام جهت ایجاد ثبات در بازار نفت و به بحث گذاشتن استفاده از ذخایر استراتژیک در نشست وزیران دارایی اتحادیه اروپا - فرانسه و اسپانیا پیشنهاد کرده بودند از این ذخایر استفاده شود ولی در نهایت تصمیمی گرفته نشد. - از طرف دیگر، زمینه نهادینه کردن همکاری و هماهنگی میان کشورهای عمده صادرکننده و واردکننده نفت را آماده کرده است.

خسرو نیرومندراد

مجله علمی و مطالعات فرهنگی
پایه علمی و پژوهشی
پایه علمی و پژوهشی

- ۱- رابرت - لندن، کولین ووستر، بیست و دوم سپتامبر ۲۰۰۰.
- ۲- سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (Organization for Economic Cooperation and Development) ۲۹ کشور از غنی‌ترین کشورها را دربر می‌گیرد.

۳- بحث در مورد ایجاد ذخایر استراتژیک نفت خام در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۴۴ آغاز شد و در سال ۱۹۷۵ پس از بحران نفت در سال‌های ۷۴-۱۹۷۳، قانون تشکیل این ذخایر تصویب شد و از سال ۱۹۷۷ ذخیره کردن نفت خام آغاز گردید. این ذخایر در ناحیه خلیج مکزیک و در حفره‌های نمک در عمق ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ متری زیر زمین قرار دارند. این ذخایر از لحاظ موقعیت نزدیک به پالایشگاه‌های این کشور و نقاط عمده توزیع نفت در داخل این کشور می‌باشند. ظرفیت این ذخایر حدود ۷۰۰ میلیون بشکه است که در حال حاضر -قبل از تصمیم اخیر به آزاد کردن ۳۰ میلیون بشکه- ۵۷۱ میلیون بشکه نفت خام ذخیره شده است. در گذشته، در رابطه با بحران نفت در بازار های جهانی، تنها مورد استفاده از این ذخایر در زمان جنگ کویت بود. ۴ میلیون بشکه در تابستان ۱۹۹۰ برای فروش آزمایشی و ۱۷ میلیون بشکه در ژانویه ۱۹۹۱ با تصمیم رئیس جمهور این کشور برداشت شد. این اقدام با هماهنگی دیگر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بود و توافق برای تعیین سهمیه کشورها برای برداشت از ذخایر استراتژیک در آژانس بین‌المللی انرژی انجام گرفت. موارد دیگر برداشت از این ذخایر، به غیر از فروش های آزمایشی و تعویض نوع نفت خام، دو مورد مبادله با شرکت های نفت در سال ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ بود که با مشکل انتقال نفت خام در بازار داخلی آمریکا مواجه شده بودند و یک مورد فروش در سال ۱۹۹۶ برای جبران بخشی از کسری بودجه فدرال آن سال این کشور بود.

۴- رویترز: لس آنجلس، تیمنا تانرز، بیست و دوم سپتامبر ۲۰۰۰.

تنها راه گزینش نشدن،

گزینش نکردن است.

از میان مباحثی که در دو دهه اخیر -یعنی از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب- در کشور مطرح بوده‌اند، بحث گزینش بیشترین تأثیر را بر روح و جسم جامعه ما گذاشته است. در روزها و ماه‌های اول انقلاب، تقریباً همه می‌خواستند گزینش کنند. برخی حتی چندان نگران این ماجرا بودند که مهم‌ترین ویژگی انقلاب بهمن ۵۷ را که سرعت پیروزی و میزان نسبتاً پائین خونریزی آن بود معضلی به شمار می‌آوردند که به زعم آنها مانع از آن شده بود که گزینش مناسب صورت پذیرد. فشارها چندان بود که حتی دولت موقت هم که مدعی بود «برای تزکیه نیامده است»^۱ و اصرار داشت که «انضباط باید جای انتقام»^۲ را بگیرد، دست آخر مجبور شد لایحه‌ای را "به منظور پاکسازی و ایجاد محیط مساعد برای رشد نهادهای انقلاب در وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، بانک‌ها و ..." تصویب کند. در آغاز عمده توجه به «پاکسازی» نیروهای نظامی و انتظامی بود تا آن زمان که روشن شد دست بسیاری از گروه‌ها از این حوزه کوتاه است. سپس اهم توجه معطوف شد به نهادهای آموزشی به ویژه آموزش عالی.